

# بررسی علل و چگونگی تحولات اخیر آیین نگارش زبان آلمانی

نیلوفر مبصر

عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌های خارجی

## چکیده

آیین نگارش<sup>۱</sup> زبان آلمانی در برگیرنده چه مواردی است؟ قواعد مربوط به آیین نگارش چگونه و به همت چه کسانی شکل گرفت و رسمیت یافت؟ وجود چه نقاط ضعف و کاستی‌هایی بازنگاری و اصلاح قواعد آیین نگارش را امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر ساخت؟ چه کسانی آیین نگارش زبان آلمانی را بازنگاری مجدد کردند؟ چه کسانی ملزم به رعایت قواعد جدیدند؟ و سرانجام، این تغییرات چه اهدافی را دنبال می‌کنند و کدامیک از بخش‌های آیین نگارش را شامل می‌شوند؟

نوشته‌ای که در پیش رو دارید کوشیده است تا برای پرسش‌های یاد شده در بالا پاسخ‌های جامع و مناسب ارائه کند.

## کلیدواژه

زبان آلمانی، آیین نگارش، اصلاحات، قواعد جدید، نوشتن و خواندن، قانونمندی و سادگی، محتوی و نحوه ارائه قواعد.

زندگی گروهی افراد بشر، بدون زبان، که ابزار انتقال افکار، احساسات و آرزوهای آنان

1) Orthographie od. Rechtschreibung

است و ارتباط با دیگران را ممکن می‌سازد، قابل تصور نیست. آیین نگارش نیز نوعی ابزار برقراری ارتباط از طریق نوشتن است و رعایت آن از جانب نویسنده فهم نوشته را برای خواننده ساده‌تر می‌سازد و به کسانی که می‌نویسند کمک می‌کند تا نوشته خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که دیگران بتوانند آن را به راحتی بخوانند و بفهمند. بدیهی است که برای نگارش صحیح باید قواعد آیین نگارش را بشناسیم و بتوانیم آنها را درست و به‌جا به کار گیریم، زیرا تنها در این صورت است که ایجاد ارتباط نوشتاری با سهولت بیشتر صورت می‌پذیرد یا اصولاً ممکن می‌گردد.

زبان آلمانی در طی سالهای متمادی نوشته و خوانده می‌شد بدون آن که قواعد جامع و یکسانی نحوه نگارش آن را قانونمند، ثابت و یکنواخت سازد. نمونه زیر شاهد خوبی بر این مدعا است:

در نوشته‌های آلبرشت دورر<sup>۲</sup>، نقاش معروف آلمانی، که نویسنده قابل‌ی نیز بود، کلمه پرگار<sup>۳</sup> به سیزده شکل مختلف<sup>۴</sup> نوشته شده است و هیچ کس هم نمی‌تواند از این حیث به او ایراد بگیرد، زیرا در زمان او چیزی به نام آیین نگارش در زبان آلمانی وجود خارجی نداشت.

قواعد آیین نگارش زبان آلمانی در طی قرن‌ها شکل گرفت، البته نه کاملاً بدون قاعده و قانون اما همچنین نه بر اساس یک طرح کلی و از پیش فکر شده.

آنچه ما امروز به عنوان آیین نگارش زبان آلمانی با آن آشنایی داریم، مجموعه قواعدی است که کنراد دودز<sup>۵</sup> در سال ۱۸۸۰ در کتابی به نام فرهنگ جامع آیین نگارش زبان آلمانی تنظیم کرده بود. این قواعد در کنفرانس دولتی آیین نگارش، ۱۹۰۱، برلین، اعتبار و رسمیت یافت و در پی آن با عقد توافق‌نامه‌ای در سال ۱۹۰۲ بین سه کشور آلمانی زبان (آلمان، اتریش، سوئیس) نوعی وحدت در نحوه نگارش زبان آلمانی به وجود آمد. بیشتر قواعدی که امروزه با آن آشنایی داریم حاصل توافق‌های کنفرانس یادشده است. این قواعد بیش از نود سال در مدارس، آموزش داده شدند. هرگونه تخطی از آنها گناه بزرگ به شمار می‌رفت و به شدت با آن برخورد می‌شد. به این ترتیب، افرادی بودند که

2) Albrecht Dürer (1471-1528)

3) der Zirkel

4) circel, circkel, circkell, cirkel, cirkell, tzircell, tzirckel, tzirckell, tzirkel, zirckell, Zirkel, Zirkell.

5) Konrad Duden (1828-1911)

در تمام طول زندگی‌شان به هنگام نوشتن دچار ترس می‌شدند. رعایت هر چه کامل‌تر این قواعد از سوی دانش‌آموزان دلیلی بر هوش و استعداد آنان بود و نوعی برتری به شمار می‌رفت و حتی بر آمار کسانی که ادامه تحصیل می‌دادند تأثیر می‌گذاشت. در بیرون از مدارس هم، عدم تسلط بر قواعد آیین نگارش از دید بسیاری از مردم در حکم بی‌سوادی یا کم‌سوادی بود. شکل یکسان نگارش<sup>۶</sup> که کنراد دودن تدوین کرده بود باید اصلاح و ساده می‌شد، زیرا برخی از قواعد آن، و بیش از همه آنهایی که بعد از کنفرانس ۱۹۰۱ به صورت موردی درباره آنها تصمیم‌گیری شد، نوشتن را دشوار کرد و به بهای سادگی و سهل‌الوصول بودن آیین نگارش تمام شد، اما تمام کوشش‌هایی که برای رهایی از چنین وضعی انجام می‌گرفت و تمام پیشنهادها و فکر شده و مناسبی که به منظور ساده‌تر کردن و شفاف‌تر کردن این قواعد ارائه می‌شد در طی دهه‌های متمادی با عدم اقبال مواجه شده بود. سرانجام پس از سال‌ها متخصصان و مسئولان دولتی از سه کشور آلمانی‌زبان یاد شده توانستند در کنفرانس مربوط به آیین نگارش، که از ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۱۹۹۴ در وین برگزار گردید، به نتایج تازه‌ای دست یابند.

البته منظور از اصلاحات جدید بازنگری کامل و بنیادین نیست، بلکه تنها تغییرات منطقی و محدودی است که در مجموع می‌توانیم آن را «امروزی کردن قواعد آیین نگارش زبان آلمانی»<sup>۷</sup> بنامیم. این اصلاحات با هدف ساده‌تر کردن قواعد بعضاً پیچیده قبلی شکل گرفته‌اند، بدون آنکه قصد در هم‌ریختن ساختار کلی و مانوس قبلی را داشته باشند.

قواعد جدید با در نظر گرفتن این امر تدوین شده‌اند که بسیاری از مردم مایلند شکل ظاهری آیین نگارش به همان صورت قبلی باقی بماند و هرگونه تغییری در آن را به منزله شکافی در سنت‌های نوشتاری که در نهایت منجر به صدمه دیدن زبان خواهد شد تلقی می‌کنند. به همین علت، اصلاحات جدید آیین نگارش، در برگیرنده تغییرات اساسی و بنیادین نیست و اصولاً نمی‌تواند هم چنین باشد. ساختار و فرم کلی آیین نگارش قبلی در طول تاریخ شکل گرفته و توسعه پیدا کرده بود، لذا تغییر آن به یکباره ممکن نبود و باید بسیار محتاطانه و فکر شده با این مسئله برخورد می‌شد.

در هر صورت، آنچه مسلم است این است که ایجاد تغییرات در قواعد قبلی، با این هدف صورت می‌گیرد که اصولاً «نوشتن» در کلیه ابعاد آن ساده شود بدون آن که نمادهای آشنا و مانوس خط از پایه تغییر کند و در نتیجه «خواندن» دچار آسیب و خدشه گردد. بدیهی است که هر تغییری در ابتدا باعث آشفتگی می‌شود و اصولی را که، به سبب تکرار، مفید به نظر می‌رسند در هم می‌ریزد و در نهایت به طرح سؤال‌هایی می‌انجامد. در ادامه بحث به تعدادی از این سؤال‌ها پاسخ می‌دهیم:

### ۱. اصولاً بازنگری و ایجاد تغییرات در قواعد آیین نگارش چه لزومی داشت؟

همان‌طور که اشاره شد قواعد آیین نگارش زبان آلمانی به مرور زمان دچار نوعی تناقض در دستور العمل‌ها و پیچیدگی در قواعد شده بود. به گونه‌ای که حتی کسانی هم که به طور حرفه‌ای با نوشتن سر و کار داشتند نمی‌توانستند به تمامی ظرایف و جزئیات قواعد آیین نگارش زبان آلمانی تسلط پیدا کنند.

برای مثال به نحوه متفاوت نگارش در موارد زیر دقت کنید:

im ganzen gesehen	اما	als Ganzes gesehen
beim Bisherigen bleiben	اما	beim alten bleiben

یا نحوه جداسازی در دو کلمه زیر، بدون هیچ دلیلی، همخوانی ندارد:

Metall-urg, Drama-turg

در جمله Ich versuchte (,) das Gerät zu reparieren. وجود ویرگول اختیاری است. در جمله Ich habe versucht, das Gerät zu reparieren. وجود ویرگول اجباری است و در جمله Ich habe das Gerät zu reparieren versucht. برعکس نباید ویرگول گذاشت.

مثال‌های بالا و مواردی از این دست همگی دلایلی بر این مدعایند که باید در جهت قانونمند کردن آیین نگارش و شفاف‌تر کردن بیشتر قواعد آن اقداماتی انجام می‌گرفت.

### ۲. چه کسانی آیین نگارش را بازنگری مجدد کردند؟

پس از اتخاذ تصمیمات واحد در مورد قواعد مربوط به آیین نگارش در سال ۱۹۰۲ پیایی کوشش‌هایی در جهت بهبود این قواعد به عمل می‌آمد. به طور متوسط تقریباً یکی در

سال! اما هیچیک موفقیت‌آمیز نبود. در این میان، دو کنفرانس، که به دعوت دولت اتریش برگزار گردید، اهمیت بیشتری داشت. این دو کنفرانس در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ در وین برگزار شد و در آن گروه‌های متخصصی از انستیتو زبان آلمانی در مانهیم، دانشگاه رستوک، وزارت آموزش و پرورش کشور اتریش و دانشگاه برن در سوئیس شرکت داشتند. اکثر شرکت‌کنندگان در این امر اتفاق نظر داشتند که قواعد آیین نگارش در بسیاری از قسمت‌ها به مرور زمان دچار پیچیدگی شده و باید با مقتضیات زمان حال تطبیق پیدا کند. سومین کنفرانس از این نوع در روزهای ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۱۹۹۴ در وین برگزار شد. اصول پیشنهاد شده در این کنفرانس در جمع کارشناسان بین‌المللی و نمایندگان همه کشورهای ذی نفع تأیید شد، اما قواعد جدید فاقد ضمانت اجرایی بود. تا این‌که سرانجام مقامات دولتی همه کشورهای آلمانی زبان، در جولای ۱۹۹۶ بار دیگر در وین گرد هم آمدند و با امضای یک توافق‌نامه رسمی به قواعد آیین نگارش زبان آلمانی اعتبار و ضمانت اجرایی بخشیدند و روز اول اگوست ۱۹۹۸ را تاریخ رسمی به جریان افتادن قواعد جدید تعیین کردند.

در حال حاضر، قواعد جدید آیین نگارش تقریباً در همه کتاب‌های درسی زبان آلمانی رعایت می‌شود و دانش‌آموزان ملزم به یادگیری آنها هستند. در ادارات و مکاتبات رسمی نیز از سال ۲۰۰۲ استفاده از قواعد مذکور اجباری خواهد بود. البته بدیهی است که این بازنگری، یا به عبارتی ایجاد رفرم در قواعد آیین نگارش، مخالفانی هم دارد که به دلایل متفاوت مایل نبودند ساختار قدیمی و مأنوس نگارش با تمام کاستی‌ها و دشواری‌هایش در هم بریزد.

### ۳. چه کسانی ملزم به رعایت قواعد جدیدند؟

تمام مؤسساتی که به نحوی زیر نظر دولت اداره می‌شوند، مانند ادارات و مدارس و همه سازمان‌های وابسته به دولت باید قواعد جدید را رعایت کنند. علاوه بر این، مسلماً اکثریت کسانی که با نوشتن سر و کار دارند خود را با قواعد جدید وفق خواهند داد.

مجموعه قواعد جدید، عموم واژگان را پوشش خواهد داد، اما برای نوشتن کلماتی که استفاده‌های دولتی ویژه دارند، مانند طرز نوشتن اسامی اشخاص در اسناد و مدارک، نحوه نوشتن اسامی مکان‌ها، خیابان‌ها، شرکت‌ها و نام‌های تجاری معتبر نخواهد بود.

کلمات و اصطلاحات علمی در شاخه‌های مختلف علوم، مانند پزشکی، شیمی و غیره نیز از این قاعده مستثنی هستند.

#### ۴. این تغییرات چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

منظور اصلی از ایجاد چنین تغییراتی، در درجه اول قانونمند کردن قواعد آیین نگارش و ساده‌تر کردن هر چه بیشتر آن است. بر این اساس، تغییرات را از دو جنبه مختلف بررسی می‌کنیم:

##### ۱. از نظر محتوی

##### ۲. از نظر نحوه ارائه قواعد

از نظر محتوی، این تغییرات می‌کوشند قانونمندی آیین نگارش زبان آلمانی و اعتبار کلی قواعد آن را افزایش دهند و با لحاظ کردن روند توسعه و تکامل آیین نگارش زبان آلمانی در طول تاریخ، نکات مشکل آفرین یا بی‌ربطی را که به مرور به وجود آمده‌اند برطرف کنند، تا این قواعد برای نویسندگان (همه کسانی که با نوشتن سر و کار دارند) با سهولت بیشتری قابل استفاده و دسترسی باشد، بدون این که برای خوانندگان (همه کسانی که به نحوی با خواندن سر و کار دارند) مشکل آفرین باشد. این تغییرات، در چهارچوب قواعد موجود آیین نگارش باقی می‌ماند و شامل حروف الفبا نمی‌شود. از نقطه نظر نحوه ارائه این قواعد، کوشش شده است تا آنجا که امکان دارد مجموعه این قواعد شفاف، منظم و قابل فهم و دسترسی باشد.

قبل از آن که به بررسی نحوه تغییراتی که اخیراً در قواعد آیین نگارش زبان آلمانی ایجاد شده است پردازیم لازم است ببینیم اصولاً آیین نگارش زبان آلمانی چه مواردی را در بر می‌گیرد:

##### ۱. آواها و حروف،

##### ۲. بزرگ و کوچک نویسی،

##### ۳. جدا و پیوسته نویسی،

#### ۴. علامت گذاری<sup>۱۱</sup>

#### ۵. شکستن کلمات در پایان سطر یا همان جدا کردن هجاها<sup>۱۲</sup>

قواعد جدید، در تمامی حوزه‌های نام‌برده تغییراتی ایجاد کرده‌اند. برای درست نوشتن، باید این قواعد را در تمامی بخش‌های یادشده بشناسیم و قادر باشیم آنها را درست به کار بریم. حال به بررسی اجمالی هر یک از موارد یاد شده در بالا می‌پردازیم:

#### ۱. آواها و حروف

نحوه ارتباط میان «آوا و حرف» در زبان آلمانی، به هنگام نوشتن، مشکلاتی ایجاد می‌کند. همان طور که می‌دانید، هر کلمه نوشته شده متشکل از چند حرف است، اما همین کلمه، به هنگام تلفظ، ترکیبی از آواهاست. به بیان دیگر، آواها تلفظ می‌شوند ولی حروف نوشته می‌شوند. در حقیقت ما، با حروف، آواها را قابل دیدن می‌کنیم. در بهترین حالت، یک آوا یا ترکیبی از آواها دقیقاً با یک حرف یا ترکیبی از حروف مطابقت دارد. این قاعده، همان طور که می‌دانیم، در زبان آلمانی مصداق کامل ندارد. یعنی گاهی یک آوا، با حروف متفاوت یا ترکیبی از حروف به نمایش در می‌آید. برای مثال، آوای a به صورت کشیده با حرف a یا ترکیب aa یا ah نشان داده می‌شود:

Zahl ----- ah; Saal; aa ----- Tal; a -----

از سوی دیگر، ممکن است آواهای متفاوتی با یک حرف به نمایش در آیند. برای مثال حرف s در کلمات springen و wesen نمایشگر دو آوای متفاوت است. این امر بدان علت است که شیوه نگارش زبان آلمانی در طول زمان و به آرامی توسعه پیدا کرده است و نه در یک مقطع زمانی مشخص و به صورت برنامه‌ریزی شده. ما در حوزه آواها و حروف به تعداد زیادی از این مسائل بر می‌خوریم. اگرچه ارائه یک سیستم آوایی فاقد پیچیدگی‌هایی از این نوع امکان‌پذیر است و بدون شک باعث ایجاد سهولت و سادگی نیز می‌شود اما ایجاد این گونه تغییرات اساسی در نحوه نگارش زبان آلمانی، شیوه

قدیمی و مانوس قبلی را در هم خواهد ریخت و این چیزی است که، بیش از همه، خوانندگان برای آن آمادگی ندارند. دلیل این امر آن است که ما حرف به حرف نمی‌خوانیم بلکه، به هنگام خواندن، لقمه‌های بزرگ‌تری بر می‌داریم و آنها را با الگوهای ثبت شده در مغزمان تطبیق می‌دهیم. هنگامی که یک نوشته با علائم نوشتاری آشنا و مانوس تطبیق نمی‌کند، خواندن دچار وقفه می‌گردد. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که در مورد غلط‌های املائی نیز صدق می‌کند، و می‌تواند حد اقل برای مدت زمان محدودی در مورد طرز نوشتن‌های جدید هم صادق باشد. هر چقدر هم که این شیوه نوشتن جدید منطقی و حساب شده باشد، باز مشکل آفرین خواهد بود.

از این رو طرز نوشتن‌های جدید، دست کم در ابتدا، همیشه با عدم پذیرش و مقاومت روبرو می‌شوند. تحت این شرایط، مرزهای این تغییرات باید بسیار دقیق و محتاطانه تعیین می‌شد. به این دلیل، هر گونه تغییری در املائی کلمات، با توجه به قاعده «ریشه کلمه»<sup>۱۳</sup> صورت گرفته است. بر طبق این قاعده، کلماتی که از یک ریشه واحد مشتق شده‌اند باید، تا سر حد امکان، ظاهرشان به هم شباهت داشته باشد. یعنی شکل ظاهری ریشه در تمام آن کلمات، با تفاوت بسیار جزئی قابل تشخیص باشد. برای روشن شدن مطلب، مثال‌هایی می‌آوریم: ما می‌نویسیم ich trenne با دو حرف n یا Ränder با ä (به سبب ارتباطی که این دو با کلمات trennen و Rand دارند). اما در گذشته قاعده «ریشه کلمه» در بعضی موارد رعایت نمی‌شد. مثال‌های زیر در شمار این گونه مواردند:

überschwenglich	با وجود	Überschwang
numerieren	با وجود	Nummer
plazieren	با وجود	Platz

در چنین مواردی است که قاعده «ریشه کلمه» برای از بین بردن این گونه ناهمخوانی‌ها وارد عمل می‌شود. بر همین اساس، از ایجاد همسانی بین کلماتی که دارای ریشه‌های متفاوت‌اند پرهیز شده است. از این رو ما کماکان Tal را با یک حرف a، Saal را با دو a و Zahl را با ah می‌نویسیم.



با توجه به مطالبی که گفتیم، قواعد جدید در حوزه «آوا و حرف» تنها در شش مورد تغییراتی داده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. مضاعف شدن حرف بی صدا بعد از حرف صدا دار کوتاه در برخی از اسامی، حرف بی صدا، بر اساس سایر شکل‌های صرفی آن اسم، مانند جمع یا حالت اضافی اسم یا بر اساس شکل ظاهری سایر اعضای آن خانواده مضاعف نوشته خواهد شد:

Ass ----- des Asses, die Asse  
Tipp ----- Tippen  
nummerieren ----- Nummer  
Zigarrette ----- Zigarre, Zigarrillo

ب. نوشتن با Umlaut

در برخی کلمات، بر اساس قاعده «ریشه کلمه» و با الگو قرار دادن سایر کلمات هم‌خانواده، بر طبق قواعد جدید، به جای e از ä استفاده می‌کنیم:

Bündel (Bendel: شکل قبلی) → به سبب → Band  
behände (behende: شکل قبلی) → به سبب → Hand  
überschwänglich (überschwenglich: شکل قبلی) → به سبب → Überschwang

۲. بزرگ و کوچک نویسی

مسائل مربوط به بزرگ و کوچک نویسی همواره مشکل ساز بوده‌اند. پس عجیب نیست که بخش عمده‌ای از تغییرات ایجاد شده در قواعد آیین نگارش، مربوط به این قسمت است. بزرگ نویسی در چهار حوزه بسیار متفاوت قابل بررسی است:

الف. در آغاز جمله

ب. به هنگام خطاب مؤدبانه

ج. اسامی خاص

د. اسامی و آنچه به صورت اسم به کار می‌رود.

در اینجا نیز متأسفانه پرداختن به تمامی موارد، به دلیل گستردگی موضوع و فراوانی

مثال‌ها امکان‌پذیر نیست. لذا تنها به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف. بزرگ نویسی به هنگام خطاب مؤدبانه

در مورد افرادی که آنها را با ضمائر دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع خطاب می‌کنیم، تاکنون به دو صورت، متفاوت عمل می‌کردیم: در نامه‌ها و متن‌هایی که به نامه شباهت داشتند این ضمائر را بزرگ و در سایر موارد کوچک می‌نوشتیم. این مسئله مشکلاتی به همراه داشت. برای مثال، توصیه‌ها و دستور العمل‌ها در کتاب‌های درسی، در شمار متن‌هایی شبیه نامه بودند یا خیر؟ از سوی دیگر، این مورد از بزرگ نویسی اصولاً منطقی نبود. اگر با کسی آن‌قدر خودمانی هستیم که به او «تو» بگوییم، دیگر چه دلیلی دارد که بخواهیم با بزرگ نوشتن ضمیر «تو» به او عرض ادب کنیم. به این دلیل از این به بعد فقط کوچک می‌نویسیم:

Lieber Ernst, herzlichen Dank für dein Foto, auf dem du und deine Schwester zusammen mit euren Kollegen abgebildet seid...

اما «خطاب مؤدبانه» همچنان بزرگ نوشته می‌شود:

Sehr geehrte Frau Müller, Wie Sie gehört haben, offerieren Wir Ihnen und Ihren Angehörigen...

ب. بزرگ نوشتن اسامی

در بحث بر سر ایجاد اصلاحات در آیین نگارش زبان آلمانی، مسئله بزرگ نوشتن اسامی، شدیدترین مورد اختلاف بود. مشخص کردن یک گروه از کلمات با بزرگ نوشتن اولین حرف آن، یکی از ویژگی‌های آیین نگارش زبان آلمانی است که به هنگام نوشتن، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند و این بدان دلیل است که مرز میان انواع مختلف کلمات، دقیقاً مشخص نیست. اسامی می‌توانند در محدوده سایر کلمات وارد شوند. برای مثال abends به عنوان قید یا dank به عنوان حرف اضافه. از سوی دیگر، انواع کلمات نیز به نوبه خود می‌توانند کاربرد اسامی را داشته باشند. برای مثال:

das Heute; das Schöne; das Laufen

از آنجا که هیچ کس مایل نبود قواعد قبلی بزرگ نویسی با تمام استثنائات و مشکلاتش به همان صورت باقی بماند و از سوی دیگر پیشنهادهایی که در مورد کوچک نوشتن اسامی ارائه شد موافقت مقامات رسمی را جلب نکرد، کارشناسان «قاعده»

بزرگ نویسی اصلاح شده»<sup>۱۴</sup> را مطرح کردند. در مقایسه با قاعده «کوچک نویسی اسامی» که قواعد آیین نگارش را فراگیر و اصولاً نوشتن را ساده می‌کرد، «بزرگ نویسی اصلاح شده» سهولت کمتری ایجاد می‌کند، اما در مقابل این حسن را دارد که شکل مأنوس و آشنای نوشتن را تغییر نمی‌دهد. به علاوه، به عقیده برخی از کارشناسان، بزرگ نوشتن اسامی، مطالعه را برای خوانندگان ورزیده ساده‌تر می‌کند، زیرا باعث درک سریع‌تر ساختمان جمله می‌شود. قاعده «بزرگ نویسی اصلاح شده» قبل از هر چیز مشخص کننده مرز میان کلماتی است که مانند اسامی عمل می‌کنند و کلماتی که کاربردهای دیگری دارند. این قاعده، نحوه نگارش را بیشتر با معیارهای ظاهری متناسب می‌کند. یکی از این معیارهای ظاهری، همراهی با حرف تعریف است:

der Einzelne; im Dunkeln tappen; um ein Beträchtliches; das Beste

به این وسیله شماری از موارد مشکل آفرین برطرف می‌گردد، مواردی که حتی خوانندگان ورزیده هم بر همه آنها احاطه کامل ندارند.

مبحث بزرگ نوشتن اسامی یکی از بخش‌های مبحث کلی‌تر بزرگ و کوچک نویسی و خود شامل قسمت‌های متعددی است که به دو مورد از آن اشاره می‌کنیم:

الف. اسامی در ترکیبات خاص<sup>۱۵</sup>

قواعد جدید کوشیده‌اند این قسمت را که قبلاً دچار آشفتگی زیادی بود تا سر حد امکان ساماندهی کنند. بر اساس یک قاعده جدید، اسامی در ترکیبات خاص به هنگام جدا بودن باید بزرگ نوشته شوند. مثال‌های زیر مطلب را روشن می‌کند:

in Bezug auf; Auto fahren; Schlange stehen; Eis laufen; außer Acht lassen; Angst haben; Recht haben

بر طبق آنچه که پیش از این معمول بود، اسامی در چنین ترکیباتی گاه کوچک و گاه بزرگ نوشته می‌شدند. اما بر طبق قاعده جدید، از این پس، کوچک نویسی، تنها در مورد ترکیباتی قابل قبول است که به صورت پیوسته نیز معمول باشند. مانند:

zu Gunsten (zugunsten); zu Lasten (zulasten); in Frage stellen (infrage stellen)

ب. بزرگ نوشتن اسامی مربوط به اوقات روز، بعد از برخی قیود

یکی دیگر از زیر مجموعه‌های مبحث «بزرگ نویسی اسامی» بزرگ نوشتن اوقات روز بعد از قیودی مانند übermorgen, morgen, heute, gestern, vorgestern است. یعنی Morgen و Abend بر خلاف آنچه که تاکنون معمول بود در عباراتی مانند heute Morgen و gestern Abend از این پس بزرگ نوشته خواهند شد.

### ۳. جدا و پیوسته نویسی

جدا و پیوسته‌نویسی یکی دیگر از مباحث مطرح در چهار چوب آیین نگارش زبان آلمانی است که هرگز به صورت رسمی بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری نشده بود. از این رو در این محدوده نیز آشفتگی نسبتاً زیادی به چشم می‌خورد. قواعد جدید، به منظور ایجاد سادگی بیشتر، در اینجا نیز وارد عمل شده‌اند و تغییراتی به وجود آورده‌اند که مختصراً به آنها اشاره می‌کنیم.

موارد تردید‌آفرین در مکان‌های مختلفی ظاهر می‌شدند. برای مثال، هنگامی که یک قید مرکب و یک فعل در کنار هم قرار می‌گرفتند:

auseinander setzen    یا    auseinandersetzen  
über das Bisherige hinaus gehen    یا    über das Bisherige hinausgehen

همچنین هنگامی که اسم در رابطه تنگاتنگ با فعل قرار می‌گرفت، به طوری که به آن ویژگی یک کلمه واحد را می‌بخشید، اغلب دوگانگی در نوشتن به چشم می‌خورد. مانند

Maß halten / maßhalten    و    Dank sagen / danksagen

این دوگانگی، به عقیده بسیاری، نوعی تزلزل و عدم اطمینان به حساب می‌آید که در ضمن، مکاتبات اداری و بازرگانی و صنعت چاپ را نیز با مشکلاتی روبرو کرده بود. البته در سال ۱۹۰۲ مؤسسه دودن از سوی مقامات دولتی مأمور شد که در جهت قانونمند کردن موارد یاد شده اقدام نماید، اما اصلاحات انجام شده موردی بودند و نه تنها تغییر عمده‌ای در این بخش از آیین نگارش به وجود نیاوردند بلکه در برخی موارد باعث ابهام بیشتر نیز شدند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که در گذشته اغلب سعی می‌شد، با نگارش‌های متفاوت، از یک ترکیب خاص، معانی مختلفی به دست آید. یعنی برای مشخص شدن این که یک ترکیب خاص باید جدا نوشته شود یا پیوسته، باید در ابتدا

مشخص می‌شد که معنی این ترکیب لفظی است یا ثانویه. این مثال‌ها مطلب را روشن می‌کند:

Sie kann in diesem Schuh gut gehen. معنای لفظی:

Der Kranken soll es inzwischen gutgehen. معنای ثانویه:

در اینجا با دو اشکال اساسی روبرو بودیم. یکی این که چنین تفاوت‌های معنایی اغلب به سختی قابل درک و توضیح بودند و دیگر این که این قاعده تمامی موارد مربوط به تمایزات معنایی را شامل نمی‌شد و موردی عمل می‌کرد. کارشناسان، برای رفع این مشکل، دو اصل کلی را سرلوحه کار خود قرار دادند:

الف. ایجاد تفاوت معنایی با استفاده از امکان جدا و پیوسته نویسی دیگر کاربردی نخواهد داشت.

ب. جدا نویسی ارجح خواهد بود.

زیرا از این طریق، تک‌تک عناصر تشکیل دهنده یک جمله، از لحاظ گرافیکی، بهتر قابل شناسایی هستند و این مسئله خواندن را به میزان قابل ملاحظه‌ای ساده می‌کند. قواعد جدید در حیطه جدا و پیوسته نویسی موارد ریز متعددی را شامل می‌شوند که در اینجا اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

بعضی از قیود مانند ab, auf, aus, heraus, voraus و نظایر آن، کماکان در ترکیب با افعال، به صورت پیوسته نوشته خواهند شد. تمام این قیود در فهرستی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اما سایر قیودی که از آنها نام برده نشده است در ترکیب با افعال، جدا نوشته می‌شوند: abhanden kommen; auseinander bringen; überhand nehmen

همین مطلب در مورد ترکیباتی از اسم و فعل هم صدق می‌کند. پیوسته‌نویسی تنها در موارد انگشت‌شماری معتبر خواهد بود. مانند:

aushalten, heimgehen, ireeführen, preisgeben, standhalten, stattfinden, teilnehmen,

#### ۴. علامت‌گذاری

علامت‌گذاری یکی از بخش‌های مهم آیین نگارش زبان آلمانی است. مشهور است که قواعد علامت‌گذاری زبان آلمانی، به ویژه قواعد مربوط به ویرگول یا کوما، پیچیده

است. البته این بدان معنا نیست که این قواعد کاملاً غیر اصولی اند بلکه بخش عمده‌ای از این شهرت بد به این دلیل به وجود آمده است که مشکل می‌توان قواعد علامت‌گذاری را به گونه قابل فهمی دسته‌بندی و عرضه نمود. قواعد جدید، در این بخش، تغییرات منطقی و واقع‌بینانه‌ای را عرضه می‌دارد که قواعد قبلی را ساده می‌کند و آزادی عمل بیشتری به وجود می‌آورد.

در اینجا به بررسی اجمالی قواعد مربوط به ویرگول در کنار جملات مصدری<sup>۱۶</sup> می‌پردازیم. قواعد قبلی در این قسمت، بسیار پیچیده و در مواردی حتی غیرمنطقی عمل می‌کردند.

بر طبق یک قاعده در اصل ساده، یک ساختار گسترش یافته مصدری باید با ویرگول جدا می‌شد ولی نوع گسترش نیافته آن نه.

Sie hatte geplant, ins Kino zu gehen.

اما اگر همین ساختار گسترش یافته مصدری، به عنوان فاعل، در ابتدای جمله قرار می‌گرفت قاعده مذکور دیگر معتبر نبود و وجود ویرگول ضرورتی نداشت:

Diesen Film gesehen zu haben hat noch niemandem geschadet.

حال اگر همین ساختار در نقش مفعول ظاهر می‌شد باید با ویرگول جدا می‌گردید:

Diesen Film gesehen zu haben, hat noch niemand bereut.

همچنین هنگامی که یک ساختار مصدری - حتی نوع گسترش نیافته‌اش - در نقش فاعل به دنبال یک فعل می‌آید باید ویرگول می‌گذاشتیم:

Ihre Absicht war, fernzusehen.

ناگفته پیداست که بر طبق قواعد قبلی، استفاده درست و به‌جا از ویرگول، تنها در صورتی امکان داشت که شخص به بخش‌های متفاوت گرامری تسلط کامل داشته باشد.

حال ببینیم قواعد جدید، در مورد همنشینی ویرگول و ساخت‌های مصدری چگونه عمل می‌کنند. بر طبق قواعد جدید، وجود ویرگول، در اصل، الزامی نیست:

Sie hatte geplant ins Kino zu gehen.

اما هرگاه بخواهیم ساختمان جمله را واضح و آشکار کنیم و نشان دهیم که ساخت

مصدری با جمله اصلی چه رابطه‌ای دارد، جزئی از آن است یا به عنوان مکمل عمل می‌کند، می‌توانیم از ویرگول کمک بگیریم:

Sie bot mir (,) ohne einen Augenblick zu zögern (,) ihre Hilfe an.

به علاوه، می‌توان، مانند گذشته، هنگامی که امکان بروز سوء تفاهم می‌رود، از ویرگول استفاده کرد:

Ich rate, ihm zu helfen.

Ich rate ihm, zu helfen.

## ۵. جدا کردن هجاها

پنجمین و آخرین بخش از مباحث مربوط به آیین نگارش زبان آلمانی، مبحث مربوط به تکه کردن یک کلمه در پایان سطر یا همان جدا کردن هجاها است. قواعد مربوط به این قسمت، تحت تأثیر شرایط تاریخی و به طور موردی شکل گرفته بودند و احاطه کامل بر آنها نیازمند معلوماتی بود که کمتر کسی داشت. قاعده مشهوری که، بر طبق آن، ترکیب دو حرف بی صدای st بر خلاف sp قابل جدا شدن نیست بهترین نمونه از قواعد موردی و قدیمی است - قاعده‌ای که به دلیل شرایط تاریخی حاکم بر چاپ کتاب به وجود آمده بود. در خط قدیمی آلمانی<sup>۱۷</sup>، حرف s به صورت کشیده و به همراه حرف t بر روی یک قطعه (چوب یا فلز) کنده می‌شد و از این رو نمی‌شد آنها را از هم جدا کرد. به نحوه بخش شدن این کلمات دقت کنید:

Aku-stik, ba-steln, Fen-ster, gun-stig, We-sten

بر طبق قواعد قبلی، کلمات ترکیبی وام گرفته از زبان‌های یونانی و ایتالیایی بر اساس اجزای تشکیل دهنده‌شان بخش می‌شدند. ناگفته پیداست که شناخت اجزای تشکیل دهنده کلمات یونانی و ایتالیایی، برای کسی که به این زبان‌ها آشنایی نداشته باشد، تقریباً غیرممکن است. بر همین اساس بود که کلماتی مانند Päd-agokik, Heliko-pter, par-al-lel به این صورت بخش می‌شدند. گاهی نیز کلماتی از این نوع بر اساس نحوه تلفظشان بخش می‌شدند: tran-si-tiv, Ka-te-go-rie, Dra-ma-turg، در حالی که اگر جداسازی بر اساس اجزای تشکیل دهنده این کلمات مرکب صورت می‌پذیرفت شکل

دیگری پیدا می‌کرد: *trans-itiv*، *Kat-ego-rie*، *Dra-mat-urg*.

با توجه به آنچه گفته شد مشخص گردید که این بخش از آیین نگارش هم به نوعی دچار آشفتگی بود. قواعد جدید، در مبحث جداسازی هجاها نیز تغییراتی در نظر گرفته‌اند که ما از آن میان به قاعدهٔ مربوط به جدا کردن *st* و *ck* می‌پردازیم. بر طبق یک قاعدهٔ بسیار فراگیر و قدیمی، هرگاه بین دو حرف صداداز تعدادی حروف بی‌صدا قرار داشت، آخرین حرف از آن حروف بی‌صدا متعلق به هجای آخر بود. بر همین اساس، بر طبق قواعد جدید، *st* را نیز می‌توان از هم جدا کرد:

*Fens-ter*، *flüs-tern*، *meis-tens*

ترکیب *ck* نیز دیگر به صورت *k-k* جدا نخواهد شد. بلکه *ck* مانند *ch* و *sch* به صورت یک واحد تلقی خواهد گردید:

*Zu-cker*، *fli-cken*، *tro-cken*

قواعد آیین نگارش، درک از راه نوشتن را ساده می‌کند، اما باید در نظر داشت که نوشتن، بر اساس این قواعد، به خودی خود هدف نیست، چون به هر حال نوشته‌ای که فاقد مفهوم باشد هر چند هم که صحیح نوشته شده باشد باز فاقد مفهوم است. بنابراین شایسته است که ارزش مکانی آیین نگارش به درستی تخمین زده شود، زیرا بها دادن بیش از حد به قواعد آن، امری نادرست است. مهم آن است که این قواعد را بشناسیم و به آنها تسلط داشته باشیم. اما مسلماً نگارش بر اساس قواعد جدید هم خالی از اشکال نخواهد بود. مشکلات، حتی پس از عبور از مرحله‌ای انتقالی هم، همچنان وجود خواهند داشت، زیرا معلومات گرامری نسبتاً قابل توجهی لازم است تا شخص بتواند در موقع نوشتن تصمیم‌های درست اتخاذ کند. شاید اگر بدانیم که هیچ اصلاحاتی، حتی از نوع اساسی، نمی‌تواند قواعد آیین نگارش زبان آلمانی را به معنای واقعی کلمه ساده کند در فراگیری آنها جدیت و پشتکار بیشتری به خرج دهیم.

## منابع

- Sitta, Horst, *Informationen zur neuen deutschen Rechtschreibung*, Bibliographisches Institut & F.A. Brockhaus AG, Mannheim 1994.  
Mentrup, Wolfgang, *Die Regeln der deutschen Rechtschreibung*, Bibliographisches Institut AG, Mannheim 1981.



Scholze-Stubenrecht, Werner & Wermke, Matthias, *Duden, Rechtschreibung der deutschen Sprache*, Bibliographisches Institut & F.A. Brockhaus AG, Mannheim 1996.

Mentrup, Wolfgang, *Duden 'Wann schreibt man groß, wann schreibt man klein?'*, Bibliographisches Institut AG, Mannheim 1981.

Berger, Dieter, *Duden 'Komma, Punkt und alle andere Satzzeichen'*, Bibliographisches Institut AG, Mannheim 1982.

□

